

[توضیح بیشتر سه صورت اول حادثان معلوم التاریخ أحدُهما 1](#_Toc502465332)

[د. ترتب اثر بر مفاد لیس ناقصه 3](#_Toc502465333)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در حادثینی که زمان هر دو مجهول بود به پایان رسید و به حادثینی رسید که زمان یکی از آن ها معلوم است.

توضیح بیشتر سه صورت اول حادثان معلوم التاریخ أحدُهما

مرحوم آخوند تمام مطالبی که در حادثین مجهولَی التاریخ بیان کردند در مورد حادثینی که زمان یکی معلوم است نیز بیان کرده اند[[1]](#footnote-1)، اگر چه حکم صورت چهارم این بخش، با صورت چهارم بخش جدید متفاوت است.

**صورت اول: مفاد کان تامه**

همان طور که گذشت ایشان در مورد صورت اولِ حادث های مجهولَی التاریخ که اثر برای یکی از حادثین به لحاظ یکی از اوصافشان بود (مفاد کان تامه، وجود خاص یا وجود نعتی) قائل به وجود مقتضی برای جریان استصحاب شدند. در صورتی که فقط یک حادث به لحاظ یکی از اوصافش اثر داشته باشد، استصحاب جاری است و در غیر این صورت (مثلا یک حادث به لحاظ دو وصفش اثر داشته باشد و یا هر دو حادث به لحاظ یک یا چند وصفشان اثر داشته باشند.)، استصحاب ها با هم معارضه می کنند.

در مورد بحث نیز همین مطلب می آید. برای مثال اگر زمان کریت معلوم باشد (موقع زوال)، ولی در تحقق ملاقات، قبل یا بعد از آن، شک داشته باشیم و از طرفی اثرِ نجاست برای وجودِ ملاقاتِ قبل از کریت (وجود خاص)، باشد استصحاب عدم وجود ملاقاتِ قبل از زوال، جاری می شود و نفی نجاست را می کند. در مورد حادث معلوم التاریخ هم به همین شکل است. برای مثال اگر اثر طهارت، برای وجود کریت قبل از ملاقات (وجود خاص) باشد، استصحاب عدم وجود کریت قبل از ملاقات جاری می شود و نفی طهارت را می کند.

باید توجه داشت که اگر هر دو حادث معلوم و مجهول التاریخ، همزمان اثر داشته باشند، استصحاب ها معارضه می کنند. همچنین اگر یکی از حادث ها به لحاظ بیش از یک وصفش، اثر داشته باشد، استصحاب ها معارضه می کنند. مثلا اگر ملاقات به لحاظ وصف تأخرش هم موضوع حکم اعتصام باشد، استصحاب عدم ملاقات متأخر از کریت، نفی حکم اعتصام را می کند و استصحاب عدم ملاقات متقدم بر کریت هم نفی حکم نجاست را می کند و این دو با هم معاضه می کنند، ولی مهم این است که هر دو، اقتضای جریان را دارند.

نکته: اگر کسی بخواهد با استصحاب عدم ملاقات متأخر از کریت، اثبات نجاست را کند، اصل مثبت خواهد بود؛ چرا که لازمه عقلیِ عدم ملاقات متأخر این است که ملاقات متقدم بوده است.

**صورت دوم: مفاد کان ناقصه**

در صورت دوم که اثر برای اتصاف حادث نسبت به حادث دیگر، بود (مفاد کان ناقصه) استصحاب جاری نبود و مقتضی نداشت؛ چرا که حالت متیقنه سابقه ای وجود نداشت. همین مطلب در مورد حادث هایی که یکی از آن ها، معلوم التاریخ است می آید.

برای مثال، اگر کریت در یک زمان مشخص (مثل زوال)، محقق شده باشد و اثر اعتصام برای کریت مقارن با ملاقات (به نحو کان ناقصه که وجود کریت، مفروض است.) باشد، استصحاب جاری نیست؛ چون حالت سابقه­ای نداریم که در آن یقینا، کریتِ موجوده، مقارن با ملاقات بوده باشد و یا نبوده باشد. کریت در هنگام زوال معلوم است، ولی کریت به وصف هم زمانی با ملاقات، معلوم نیست.

نکته: از آن جا که موضوع به نحو تقیید، موضوع حکم است، استصحاب فقط در جایی جاری می شود که آن موضوع با وصف خاصش، حالت سابقه داشته باشد. باید توجه داشت که استصحاب عدم وصف، برای اثبات عدم اتصاف، اصل مثبت است.

**صورت سوم: عدم محمولی**

در صورت سوم هم اثر برای اتصاف حادث به عدم (عدم محمولی) بود که در آن هم استصحاب جاری نبود؛ چرا که حالت سابقه یقینی، وجود نداشت. همین مطلب در مورد حادث هایی که یکی از آن ها معلوم التاریخ است می آید.[[2]](#footnote-2)

###### د. ترتب اثر بر مفاد لیس ناقصه

اثر در صورت چهارم، برای نفس عدم یکی از حادث ها در زمان حادث دیگر است، نه عدم متصف بکونه فی زمان الآخر[[3]](#footnote-3). در صورت حادث های مجهولَی التاریخ، مرحوم آخوند به خاطر عدم اتصال زمان یقین و شک، قائل به عدم جریان استصحاب در مورد هر دو حادث شدند، ولی در مورد بحث که یکی از حادث ها، معلوم التاریخ است قائل به تفصیل شده اند. در مورد مجهولی التاریخ، پنج تقریب برای عدم جریان استصحاب بیان کردیم. البته یک تقریب دیگر هم وجود دارد که در ذیل، حادثان معلوم التاریخ احدهما، بیان خواهیم کرد.

ایشان معتقدند که در مورد حادث مجهول التاریخ، استصحاب جاری می شود، ولی در مورد حادث معلوم التاریخ، استصحاب جاری نیست.

برای مثال اگر زمان ملاقات، معلوم باشد (عند الزوال)، ولی زمان کریت، معلوم نباشد و اثر نجاست هم برای عدم کریتِ آب، در زمان ملاقات[[4]](#footnote-4) باشد[[5]](#footnote-5)، استصحاب عدم کریتِ آب تا زمان ملاقات جاری شده و اثبات نجاست را می کند. در این جا ارکان استصحاب تمام است؛ چرا که یقین به عدم کریت، قبل از زوال و نیز شک در انتقاض این عدم کریت تا زمان زوال (زمان ملاقات) وجود دارد و زمان این دو به هم متصلند.

استصحاب عدم کریت تا زمان تفصیلی ملاقات جاری می شود. البته با این استصحاب، اثبات نمی شود که کریت، بعد از زوال بوده است.

این استصحاب در مورد حادث معلوم التاریخ جاری نمی شود. برای مثال اگر در همین مثال، اثر اعتصام برای عدمِ ملاقات آب در زمان کریت باشد (فرضا)، استصحاب عدم ملاقات آب، تا زمان کریت جاری نیست؛ چرا که کریت معلوم نیست در چه ساعتی رخ داده است. اگر کریت قبل از زوال بوده باشد، استصحاب عدم ملاقات صحیح است، ولی اگر کریت بعد از زوال، محقق شده باشد، از آن جا که این عدم ملاقات، به وسیله ملاقاتِ عند الزوال، نقض شده است، استصحابش صحیح نیست.

باید توجه داشت که استصحاب نسبت به خود حادث معلوم التاریخ به لحاظ عمود زمان معنا ندارد؛ چرا که اولا شکی نسبت به آن وجود ندارد و ثانیا موضوع حکم شرعی نیست.

پس در مورد حادث معلوم التاریخ، به خاطر عدم احراز اتصال زمان مشکوک و متیقن، استصحاب جاری نیست. اگر کریت قبل از زوال بوده باشد، عدم ملاقات، به وسیله ملاقاتِ عند الزوال، نقض شده است و استصحاب عدم ملاقات، صحیح نیست و همین احتمال، سبب می شود که مورد بحث، از موارد شبهه مصداقیه استصحاب باشد.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص421.](http://lib.eshia.ir/27004/1/421/علم) [↑](#footnote-ref-1)
2. مثلا اثر برای آب غیر کر، در هنگام ملاقات است. یعنی یکی از حادث ها در زمان حادث دیگر، متصف به عدم است.مقرر [↑](#footnote-ref-2)
3. عدم اتصاف یکی از حادث ها در زمان حادث دیگر. مقرر [↑](#footnote-ref-3)
4. یعنی آبی که در هنگام ملاقات، کر نباشد، موضوع حکم نجاست است. پس مفاد لیس ناقصه این است: آّب، کر نباشد. این مفاد لیس ناقصه، در زمان حادث دیگر، موضوع حکم است. مقرّر [↑](#footnote-ref-4)
5. مثال استاد به این شکل بود که زمان کریت هنگام زوال است و اثر هم برای برای ملاقات عند الکریت است، لکن مثال تغییر داده شد؛ چرا که بحث در قسم رابع است که اثر برای مفاد لیس ناقصه است، لذا مثال را تغییر دادیم و موضوع حکم را، عدم کریت عند الملاقات، قرار دادیم. مقرر [↑](#footnote-ref-5)